

Urartian Inscriptions in Iran

Reza Sabouri Nowjedehi(M.A.)¹

The Urartian Empire ruled over the north west of Iran for two centuries. Numerous cuneiform inscriptions have remained from this era. The present paper introduces the Urartian Inscriptions in Iran, Which date back to the first millennium B.C.E.

¹- Researcher

کتیبه‌های پادشاهان اورارتویی در ایران

رضا صبوری نوجه‌دهی^۱

چکیده

دو قرن حضور پادشاهی اورارتو در گستره جغرافیای شمال غرب ایران، منجر به تاثیر و تاثرات فراوان فرهنگی و هنری در این منطقه شد و نهایتاً ثمره این حضور به جای ماندن آثار و بقایای مادی اورارتوها در این منطقه است. در این میان شاید بتوان گفت که گرانبه‌ترین یادگار آن برجای مانده از تمدن اورارتو ده‌ها کتیبه میخی این پادشاهی کهن است که در شناسایی این برهه از تاریخ باستانی منطقه شمال غرب ایران موثرند. وجود این تعداد کتیبه اورارتویی که در تنوع گسترده بازمینه‌های مختلف صخره‌ای، لوحه‌های گلی، سفال‌نوشته، سنگ یادبودی (استل)، فلزنوشته و غیره به دست آمده‌اند، بدون شک یکی از مهم‌ترین منابع در شناخت حدود و گستره مرزهای سیاسی اقوام هزاره اول پ.م. در شمال غرب و غرب ایران است. با اندکی تأمل می‌توان بخش عظیمی از گستره حضور سیاسی و نفوذ فرهنگی این پادشاهی را در شمال غرب ایران درک نمود.

کلید واژه: اورارتو، کتیبه‌های میخی، شمال غرب ایران

مقدمه

بررسی روند شکل‌گیری و گسترش خط و زبان اقوام، در دوران‌های باستانی تمامی سرزمین‌ها به عنوان یکی از مهم‌ترین جنبه‌های مطالعاتی باستان‌شناسی هر منطقه به شمار می‌رود. نمود این امر در منطقه خاورمیانه، خصوصاً ایران، بین‌النهرین و آسیای صغیر به مراتب بیشتر است. زیرا همجواری این سرزمین‌ها به عنوان اولین خاستگاه خط میخی و حضور گسترده و متنوع اقوام گوناگون که هر یک به نحوی از این خطوط استفاده می‌کردند منجر به گسترش استفاده اقوام و ساکنان این مناطق از خط میخی شده است. اورارتوها از جمله اقوامی هستند که جایگاه ویژه‌ای را در استفاده از الفبای میخی برای انتقال مفاهیم زبانی خود دارند. چراکه با بیش از سه قرن پادشاهی باشکوه خود و حضور

^۱ - مدرس دانشگاه

در گستره وسیعی از سرزمین‌های امروزی قفقاز جنوبی و شمال‌غرب ایران، شرق آناتولی، شمال عراق و سوریه بیش از صدها کتیبه صخره‌ای و دیوارنوشته و سفال‌نوشته برجای گذاشته‌اند. بر اساس آمار رسمی و ثبت شده، کتیبه‌ها و آثار دارای کتیبه اورارتویی کشف شده در ایران ده‌ها مورد است، که نشانگر پایین بودن سهم شمال‌غرب ایران در مقایسه با سایر مناطق ذکر شده است. تعداد اندکی از این کتیبه‌ها دارای اطلاعات مفید جغرافیایی، سیاسی و اجتماعی است و در اغلب موارد کتیبه‌های اورارتویی شمال‌غرب ایران که بر روی شیء‌ای آمده دربردارنده نام و نشان پادشاه است و از چند کلمه تکراری فراتر نمی‌رود. اما اهمیت این کتیبه‌ها علی‌رغم تعداد محدودشان این است که جزو معتبرترین اسنادی است که مشخص‌کننده حضور و نفوذ اورارتوها در سرزمین‌های شرقی آن دوران است.

از این رو، با توجه به معرفی مختصر و گذرای کتیبه‌های اورارتویی مذکور در چند مقاله منتشر شده در ایران سعی شده تا در نوشتار حاضر این کتیبه‌ها با جامعیت معرفی شوند. مبنای کار معرفی اجمالی کتیبه، ترجمه آنها براساس ترتیب تاریخی شاهان این سلسله است و در مواردی که یک پادشاه بیش از یک کتیبه یا بیش از یک کتیبه همگون داشته است، ترتیب معرفی کتیبه‌ها به ترتیب زیر بوده است:

الف- کتیبه‌های مربوط به ایجاد بنای ساختمانی جدید.

ب- کتیبه‌های مربوط به لشکرکشی‌ها و فتوحات و سفرها.

پ- سنگ یادبودی (استل)ها.

ت- کتیبه‌های موجود بر روی اشیاء منقول (فلز نوشته، سفال نوشته،...).

ث- لوح‌های گلی و اثرمهرها.

ج- کتیبه‌های اورارتویی با گاهنگاری نامشخص.

زبان، خط و کتیبه‌های اورارتو

زبان اورارتو

از اواخر قرن نهم پ.م تا اواخر قرن هفتم پ.م خط و زبان اورارتویی در قلمرو پادشاهی اورارتو رواج داشته است. حدود جغرافیایی این زبان ارمنیه کنونی، آذربایجان و شمال شرقی عراق امروزی تا رود فرات بوده است. منشا جغرافیایی این زبان و منطقه‌ای که اکثریت جمعیت اورارتویی بدان تکلم می‌کردند نامشخص است. به احتمال در مناطق کوهستانی از زاب علیا تا حدود دریاچه وان توسع داشته است. مرکز اورارتو شهر توشپا، در حوالی دریاچه وان بوده است. زبان اورارتو با زبان هوریانی، به ویژه با گویشی که هوری باستان خوانده می‌شود، پیوند نزدیکی دارد. به احتمال اورارتویی منشعب از زبان هوریایی است که به حدود ۲۰۰۰ پ.م برمی‌گردد؛ اما در عین حال زبانی مستقل نیز بوده

است (فن لوون، ۱۹۶۶: ۱۵). کتیبه‌های اولیه شاهان اورارتویی به خط و زبان آشوری نو بوده است؛ پس یک نسل زبان اورارتویی جایگزین زبان آشوری شد. اوج قدرت اورارتویان در قرن هشتم پ.م بوده و بیشترین کتیبه‌های سلطنتی، آرگیشتی اول و ساردور دوم، مربوط به همین دوره است. نام اورارتو از نام جغرافیایی اورارتو گرفته شده که هم آشوریان و هم خود اورارتویان در نوشته‌هایشان به آشوری آن را به کار برده‌اند. اورارتویان خود را «Bia=i=ne=lə:» [مردمان سرزمین] بیه خوانده‌اند. این که اورارتویان زبان خود را چه می‌نامیدند هم نامشخص است. در منابع غربی نام این زبان را «وانی»^۱ یا کلدانی^۲، که آلمانها به کار می‌بردند، به کار می‌رفته که اکنون دیگر منسوخ شده است. تقریباً تمامی متون اورارتویی کتیبه‌های سنگی یادمانی هستند که بر روی دیوار، ستون و پایه ستون، ستون‌های یادبودی (استل) و صخره‌ها نوشته شده‌اند. تعداد الواح گلی اندک است که کمی آن را به سبب عدم حفاریات باستان‌شناسی می‌دانند تا عدم کاربرد آنها. کهن‌ترین کتیبه‌های اورارتویی را به قرن ۸۲۰ پ.م قابل تاریخ‌گذاری است. اگر چه منابع کتیبه‌های اورارتویی افزون بر ۵۰۰ کتیبه است؛ اما ارزش زبانشان به سبب ساخت تکراری‌شان محدود است. اساساً دو نوع ساختار محتوایی کتیبه‌ای دیده می‌شود: ۱- کتیبه‌های یادبودی در خصوص فعالیت‌های عمرانی و ساختمان سازی ۲- کتیبه‌هایی که اشاره به عملیات نظامی دارند. علاوه بر این، کتیبه‌های کوچکی نیز هست که جنبه آیینی دارند نمونه آن کتیبه «مه‌رکیسی»^۳ است. نوع کتیبه‌های دیگر مرزنامه‌ها یا سنگ یادبودی (استل) هستند که در نزدیکی سرزمین آشور یافت شده‌اند و دو زبانه‌اند. مهم‌ترین این کتیبه‌ها سنگ یادبودی کله‌شین [سنگ (به رنگ) آبی] است (ویلهم، ۲۰۰۴: ۱۱۹-۱۲۰).

خط اورارتو

اورارتوها در سال‌های آغازین حکومت خود (تقریباً ۸۰۰-۸۶۰ ق.م) گونه‌ای از خط تصویری را به کار می‌بردند که نمونه‌های اندکی از آن باقی مانده است. اما در اندک زمانی بعد، یعنی در بین سال‌های ۷۰۰-۸۰۰ پ.م. خط خود را با الفبای میخی اکدی نوشتند. از آن پس تا مدتی کتیبه‌های خود را با آن خط و زبان آشوری نوشتند. به گونه‌ای که اولین کتیبه ساردوری اول در قلعه وان بر روی یک بلوک سنگ آهک نوشته شده که به زبان آشوری است (دیاکونوف، ۱۳۷۱: ۱۵). خط اورارتویی همچون اکدی، نظام نگارش هجانگار و واژه‌نگار (یا سومرنگار) بود. شکل نشانه‌های کتیبه‌های سلطنتی اورارتویی به مانند کتیبه‌های آشوری نو است اما با یک نوآوری: از ۸۱۰ پ.م. کتیبه‌های اورارتویی بر روی سنگ و فلز شکل «گوه متقاطع» حذف شد که علت آن نامعلوم است.

^۱ - Vannic

^۲ - chaldisch

^۳ - Meher Kapisi

در این نظام نوشتار واژه جداکن هم به کار رفته که البته همیشگی و منظم نیست. تعداد اندکی کتیبه کوچک با نشانه‌های هیروگلیفی وجود دارد که هنوز رمزگشایی نشده‌اند (ویلهم، پیشین: ۱۲۱).

ویژگی‌ها و فرم کلی کتیبه‌های اورارتو

کتیبه‌های اورارتویی جز سالنامه «آرگیشتی اول» و چند مورد دیگر، در اکثر موارد در خصوص حفرت و دیگر امور عمرانی است و این امر دلالت بر آن دارد که آن قوم به آبادانی و آسایش زندگی اهمیت فراوان می‌دادند. اولین کتیبه‌های زبان اورارتویی که تاکنون شناخته شده است، به اواخر قرن نهم پیش از میلاد برمی‌گردد. این کتیبه‌ها درباره بنیانگذاری بنا بوده و روی زیرستون نوشته شده و اغلب حتی در روی یک سنگ منفرد، تکرار گشته و نام ایشپونی پسر ساردوری اول را دارد (پیوتروفسکی، ۱۳۸۳: ۱۰۵).

کتیبه‌های اورارتویی در شمال غرب ایران

همانگونه که در فراز پیشین نیز ذکر شد، اورارتوها در پی حضور کوتاه مدت اما موثر خود در محوطه‌های شناخته شده اورارتویی شمال غرب ایران (تصویر ۱) ده‌ها قطعه کتیبه در قالب صخره نوشته، سنگ یادبودی (استل)، الواح گلی، سفال نوشته، فلزنوشته و غیره به یادگار گذاشته‌اند. این کتیبه‌ها با رعایت ترتیب زمانی پادشاهان اورارتویی عبارتند از:

۱- کتیبه‌های ایشپونی

پس از آرامو (۸۵۹-۸۸۴) بنیانگذار پادشاهی اورارتو و ساردوری اول (۸۲۸-۸۴۴ ق.م) فرزند لوتپیری دومین پادشاه اورارتو، ایشپونی فرزند ساردوری اولین پادشاه اورارتو است که وارد منطقه شمال غرب ایران شده و کتیبه‌هایی از خود به یادگار گذاشته است. آنچه بر اساس یافته‌های باستان‌شناسی و گزارش‌ها و سالنامه‌های آشوری برای ما مشخص است این است که اورارتویی‌ها در تمام دوران آرامو و ساردوری اول هنوز وارد خاک ایران نشده بودند (صیبری، ۱۳۸۷: ۱۳۸).

- **کتیبه فلز نوشته ایشپونی:** این کتیبه بر روی یک کلاهخود مفرغی که در شمال غرب ایران به دست آمده است تنها یک واژه یعنی نام «ایشپونی» را بر خود دارد و هم اکنون در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود (بارنت-کورتیس، ۱۹۷۳: ۱۳۳؛ فرانکل، ۱۹۷۹: ۲۰؛ برگه-میر، ۱۹۸۲: شماره ۱۷؛ پاینه، ۲۰۰۶: ۳۲).

- **کتیبه مشترک ایشپونی و منوا:** پس از چندی ایشپونی پسرش منوا را در پادشاهی مشترک با خود قرار داد. منوا تا ۷۸۵ ق م سلطنت کرد. در زمان این دو پادشاه حدود قلمرو اورارتو توسعه یافت و از جنوب تا نزدیک آشور و از شمال تا قفقاز جنوبی بسط پیدا کرد. منوا در سال ۸۱۰ پ.م. به تخت

نشست به پیروی از کردار پدر، پسرش نوش‌پوآ را با خود در سلطنت شریک کرد. منوا از پادشاهان بسیار لایق و مشهور اورارتو است. ایشیونی به پارسوه حمله کرد و منوا کشور ماننا در جنوب دریاچه ارومیه را به تصرف خود درآورد. از جمله کتیبه‌های مکشوفه در شمال غرب ایران که مربوط به این دوران از پادشاهی اورارتو است موارد زیر قابل اشاره است:

الف- کتیبه‌ای در دیوار سد، قلعه قلاتگاه (۱)

این کتیبه هم اکنون در موزه متروپولیتن نگهداری می‌شود. متن کتیبه به شرح زیر است:

«به حول و عظمت خدای خالدی و به حول و عظمت خدای تئی شه بانی، پادشاه بیه و خداوندگار شهر توشیا، ایشیونی فرزند ساردوری و منوا فرزند ایشیونی، در هنگام حرکت به سرزمین ساپای، این سرزمین را تصرف نمودند و پادشاه آن را اسیر نمودند. هم برای خدای خالدی و هم برای خدای تئی شه بانی بنایی (۲) برقرار نمودند. شهری را که به نام اویشه معروف بود برای خدای خالدی جدا نمودند. درختان سرزمین ساپای را به عنوان درختان خدایان برای خدای تئی شه بانی جدا نموده، حمل نمودند.» (فن لوون، ۱۹۷۵: ۲۰۱-۲۰۷، ش. ۳؛ سالوینی، ۱۹۷۴: ۱۷۰-۱۷۷؛ پاینه ۲۰۰۶: ۳۵)

ب- سنگ یادبودی (استل) کله شین (۳)

این سنگ یادبود (استل) دو زبانه- اورارتو و آشوری- است. هم اکنون در موزه ارومیه نگهداری می‌شود. پس از ساردوری اول، پسرش ایشیونی در حدود ۸۲۸ ق.م. پادشاه اورارتو شد. این پادشاه زبان اورارتو را در کتیبه‌های خود به کار برد و شرح فتوحات خود را در معبر کله شین در کتیبه‌ای بر یک سنگ یادگار به ارتفاع ۱/۷۰ متر و به دو زبان اورارتو و آشوری نوشت و کشور خود را از مشرق تا راوندوز توسعه داد (مشکور، ۱۳۳۲: ۱۸). در سوی مشرق این سنگ متن اورارتویی از ایشیونی پادشاه اورارتو نوشته شده و در سوی غرب همان متن به زبان آشوری است. این سنگ را شولتز پیدا کرد، اما، راولینسون اولین بار گزارشی راجع به آن منتشر نمود. بعداً در ۱۸۸۸ دمرگان آن را رونوشت کرد و در سال ۱۸۹۸ لمان هاوپت و بلک آن را برای بار دیگر مطالعه نمودند. بهترین ترجمه را مینورسکی انجام داد و در ژوئیه ۱۹۵۱ کامرون مجدداً آن را منتشر نمود (واندنبرگ، ۱۳۷۹: ۱۱۷-۱۱۸ و هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۲۰۶، نگهبان، ۱۳۷۶: ۴۷۳ و افشار سیستانی، ۱۳۶۹: ۳۵۰، نک. تصویر ۲). متن کتیبه به شرح زیر است:

«پادشاه بزرگ (۴)، پادشاه قدرتمند، پادشاه سرزمین شوری، پادشاه سرزمین بیه (۵)، و خداوندگار شهر توشیا، ایشیونی پسر ساردوری و منوا پسر ایشیونی، زمانی که به شهر آردینی (۶) و به حضور خدای خالدی آمدند، یک معبد (۷) برپا ساخته و برای خدای خالدی ستون یادبودی تدارک دیدند. در جلو معبد ایشیونی پسر ساردوری جایگاه نیزه‌های سالم (۸)، جایگاه حیوانات بسیار بزرگ، جایگاه مس...ها، جایگاه ظروف مسی، جایگاه... و باز هم جایگاه حیوانات بزرگ (منظور گاوها) برپا نمود.

(تمام اینها را) در دروازه خالدی قرار داده و برای زندگی سرشار از موفقیت به سرورمان خالدی تقدیم نمودیم. ۱۱۱۲ حیوان بزرگ (گاو)، ۹۱۲۰ (۹) داوطلب(؟) (آورده شده) بز ماده و گوسفند و ۱۲۴۸۰ بز ماده بالغ قربانی نمودند. پادشاه بزرگ ایشیونی پسر ساردوری پادشاه قدرتمند، پادشاه سرزمین شوری، پادشاه سرزمین بیه و خداوندگار شهر توشیا، زمانی که به شهر آردینی و به حضور خدای خالدی آمد، با کمک قدرت خدای خالدی این مزرعه... اینان در مقابل دروازه خالدی در راه قرار داده شدند. برای دروازه خالدی شهر آردینی گاو نر هدیه(؟) آورده شود و در زمان خریدن چیزی به شهر آردینی و حضور خدای خالدی، ایشیونی پسر ساردوری و منوا پسر ایشیونی به خدای خالدی حیوانات بزرگ (گاو) را در جایگاه قربانی نمودند و گفتند که: هر کس که به دروازه خالدی گاو بیورد(۱۰) آن شخص مرگ خود را هیچ خواهد شمرد.» (سالوینی، ۱۹۷۶-۱۹۸۰: ۳۲۷)^۱

۲- کتیبه‌های منوا پسر ایشیونی

الف- کتیبه تاش تپه(۱۱): سومین کتیبه مربوط به منوا در شمال غرب ایران، کتیبه تاش تپه است که در نوع خود یکی از معروف‌ترین کتیبه‌های اورارتویی است. کتیبه تاش تپه، در ۱۸۹۰ میلادی در قالب دو تکه سنگ بزرگ جدا شده از یک تخته سنگ عظیم کشف شد. این سنگ نوشته در جنوب دریاچه ارومیه نزدیک روستای داش تپه در ۱۲۹ کیلومتری غرب میاندوآب - قوشاچای - کشف شده است. متن کتیبه به خط میخی و زبان اورارتویی است (حاجی زاده، ۱۳۷۴: ۷۸؛ واندنبرگ، ۱۳۷۹: ۱۱۷). سطرهای ابتدایی و انتهایی این کتیبه از بین رفته و هم اکنون در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود.

بر اساس متن این کتیبه، در شروع قرن هشتم پ.م. در زمان پادشاهی منوا قسمتی از سرزمین ماننا ضمیمه متصرفات اورارتو می‌شود. در این منطقه، منوا دژها و تاسیسات نظامی متعددی را بنا می‌کند. احتمالاً لشکرکشی‌های منوا به ماننا در پایان قرن نهم ق.م. صورت گرفت و تعداد این لشکرکشی‌ها کمتر از دو مرتبه نبود. پادشاه اورارتو قلعه‌ای به نام مشتتا- «تاش تپه» کنونی نزدیک میاندوآب-را در خاک ماننا احداث یا احیا کرد و کتیبه‌ای نیز بدین مناسبت نویساند(دیاکونوف، ۱۳۸۰: ۱۶۲-۱۶۳). کتیبه‌های کله شین و داش تپه به خوبی سلطه اورارتوها را در جنوب دریاچه ارومیه نشان می‌دهند. از منوا انبوه سنگ نوشته‌های بناهای عمرانی اورارتو باقی مانده که وی را به عنوان

^۱ - برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به:

Sayce (1882: 663-664), no. 56, Morgan-Scheil (1893: 153-166); Belck-Lehmann (1893: 389-400); Morgan (1896: 262-283); Basmadjyan (1903: 137-140). Belek-Messerschmidt (1904); Lehmann (1907: 64, res. 42); Minorskii (1917: 145-193).

پادشاه سازندگی نشان می‌دهد. به هنگام پادشاهی منوا که در سلطنت پدرش ایشپونی شریک بود کار ساختمان بناها در مراکز اورارتو بالا گرفت. ۱۰۱ سنگ نبشته که بیش از نیمی از سنگنبشته‌هایی است که تا این زمان از اورارتو به دست آمده است متعلق به دوران پادشاهی منوا است. از آن جمله ۳۱ کتیبه مربوط به کارهای ساختمانی و ۱۹ کتیبه مربوط به کانال‌های آبرسانی (پیوتروفسکی، ۱۳۴۸: ۳۱). متن کتیبه به شرح زیر است:

«به حول و عظمت خدای خالدی، منوا پسر ایشپونی این قلعه را بنا نمود. شهر مشتتا را به دست آورده و بعد از آن نیز سرزمین مانا را به دست آورد. بدانجا مردان قدرتمندی فرستاد (۴) پیاده و سواره فرستاد (۴) خدای خالدی پیشاپیش حرکت نمود. منوا می‌گوید که: سرزمین ماننا را به دست آوردم و بنام خدای خالدی در آنجا کتیبه‌ای برپا نمودم. به حول و عظمت خدای خالدی، منوا پادشاه بزرگ و پادشاه قدرتمند و خداوندگار شهر توشیا است. منوا می‌گوید که: هر کس این نوشته تخریب نماید، هرکس کارهای گناه آلود مرتکب شود و هرکس شخص دیگری مجبور به این کارها نماید، خدای خالدی، خدای تئی شه بانی، خدای شیوینی (و تمام) خدایان او را در نور خورشید محو نمایند.» (کلایس، ۱۹۷۴: ۱۰۳؛ سالوینی، ۱۹۷۹: ۱۷۰-۱۷۷؛ همو، ۱۹۸۴: ۶۵-۶۹؛ پاینه، ۲۰۰۶: ۶۲-۶۳).

ب- کتیبه منوا در اشنویه (۱۲)

این کتیبه شامل دو قطعه سنگ است که قطعه کوچک اکنون در موزه ایران باستان نگهداری می‌شود و قطعه بزرگ مفقود شده است؛ اما عکس و طرح آن در موزه ایران باستان موجود است. این کتیبه در ۴۵ کیلومتری جنوب ارومیه، حاشیه راه ارتباطی اشنویه، در کنار چند چشمه پر آب به دست آمده است. اولین بار در ۱۹۷۱ میلادی دایسون آن را شناسایی و معرفی نمود (نگهبان، ۱۳۷۶: ۴۷۳، حاجی زاده، ۱۳۷۴: ۶۶). متن کتیبه به شرح زیر است:

«به حول و عظمت خدای خالدی، منوا پسر ایشپونی این بارزودییدو (۱۳) را بنا نمود و نام آن بارزودییدوی منوا است. و قلعه‌ای بی‌همتا برپا نمود. به حول و عظمت خدای خالدی، منوا پسر ایشپونی، پادشاه قدرتمند، پادشاه بزرگ پادشاه بیه و خداوندگار شهر توشیا است.» (فردریش، ۱۹۶۹: ۱۲۱-۱۲۲؛ پاینه، ۲۰۰۶: ۱۰۰)

پ- کتیبه اژدها بولاغی (عین روم) (۱۴)

کتیبه مزبور در داخل کادر حجاری شده‌ای بر روی یک صخره است که بخشی از آن در دیواره سمت چپ و بخشی دیگر در دیواره سمت راست قرار دارد و در بخش پستی هر دو بخش تکرار شده است.

متن کتیبه: «به حول و عظمت خدای خالیدی منوآ فرزند ایشیونی، پادشاه بزرگ، پادشاه قدرتمند، پادشاه سرزمین بیه و خداوندگار شهر توشیا است. منوآ این تارمانلی (۱۵) را بنا نمود.» (شولر، ۱۹۷۲: ۱۲۲-۱۲۵؛ سالوینی: ۷۱-۷۸؛ پاینه، ۲۰۰۶: ۱۲۲)

ت-کتیبه‌ای بر روی یک کاسه مفرغی: احتمالاً مکشوفه از شرق آناطولی؟ است و محل نگهداریش کلکسیون فروغی است.

متن کتیبه: «متعلق به انبار اموال منوآ» (پاینه، ۲۰۰۶: ۱۳۷)

ث- کتیبه‌ای بر روی یک چشم بند مفرغی اسب: احتمالاً مکشوفه از شرق آناطولی؟ است و محل نگهداریش کلکسیون فروغی است.

متن کتیبه: «موال منوآ» (سالوینی، 1988c: ۱۸۴؛ پاینه، ۲۰۰۶: ۱۴۳)

ج- کتیبه‌ای بر روی یک چشم بند مفرغی اسب: احتمالاً مکشوفه از شرق آناطولی؟ است و محل نگهداریش کلکسیون فروغی است. متن کتیبه به علت تخریب قابل مطالعه و قرائت نیست (سالوینی، پیشین؛ پاینه، ۲۰۰۶: ۱۴۳).

۳- کتیبه‌های آرگیشتی (اول) پسر منوآ

الف- کتیبه مکشوفه از آلیشار (۱۶)

این کتیبه در موزه ارمتاژ روسیه نگهداری می‌شود و بر روی زنگوله مشبک هشت ضلعی کوچکی از جنس مفرغ نوشته شده است.

متن کتیبه: «اموال آرگیشتی» (پاینه، ۲۰۰۶: ۲۰۵)^۱

ب- کتیبه آرگیشتی اول در جوان قلعه

این کتیبه صخره‌ای در ابعاد ۹۰ × ۶۰ سانتی متر و با سطح نوشته‌ای برابر ۴۰ × ۸۰ سانتی متر بر سینه کوهی با نام محلی نصیر داغی در شمال رودخانه قلعه چای روستای جوان قلعه در ارتفاعات دامنه کوه سه‌هند و در حدود ۱۰ کیلومتری شمال شرق عجب شیر قرار دارد. بخش‌های زیادی از این کتیبه در قسمت‌های انتهایی سطرهای ۱ تا ۸ به شدت تخریب شده است. کتیبه در ده سطر به خط میخی اورارتویی نوشته شده است. در بررسی‌های نخستین مشخص گردید که کتیبه متعلق به آرگیشتی اول پسر منوآ (۷۵۳-۷۸۵ ق.م.) است و پیام آن درباره متصرفات این پادشاه در سرزمین‌های شمال غرب ایران از جمله کشور مانناست. به یقین کتیبه عجب شیر را مربوط به شرح

^۱ - برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به:

فتوحات آرگیشتی اول پسر منوا باید دانست؛ ضمن اینکه قرائت خود کتیبه، با به دست دادن نام آرسیتا پادشاه سرزمینی به نام خودش در نزدیکی سرزمین بوشتو که به همراه فتوحات در آشور و ماننا در کتیبه سالشمار معروف خرخر واقع در شهر وان در مدخل آرامگاه آرگیشتی اول پسر منوا هم آمده است، هر گونه شک و تردید را مرتفع می‌سازد (بشاش، ۱۳۸۳). این کتیبه به منظور قرائت متن، نسخه برداری گردیده و توسط آقای سالوینی آوانگاری نیز شده است (سالوینی، ۲۰۰۸: ۳۵۱-۳۵۲)، اما هنوز ترجمه‌ای از آن ارائه نشده است.

۴- کتیبه‌های ساردوری (دوم) فرزند آرگیشتی

الف - کتیبه قلعه سقندل (۱۲)

این کتیبه در کوهی بنام زاغی یا قیه (= کایا به معنی سنگ در زبان ترکی). واقع در ۲ کیلومتری شمال دهکده سقندل، از محال ازومدل قره داغ در ۵ کیلومتری شرقی قصبه ورزقان، از توابع اهر قرار دارد. بر روی صخره نقر گردیده است. ابعاد این کتیبه ۱۱۵ × ۴۷ سانتی متر و مشتمل بر ۱۰ سطر است. این کتیبه توسط محمد جواد مشکور شناسایی و معرفی شده و توسط میلیکشویلی باستان‌شناس گرجی از روی عکس آن قرائت گردیده و منتشر شد (نگهبان، ۱۳۷۶: ۴۷۳، حاجی زاده، ۱۳۷۴). محوطه ماقبل اورارتویی آن لیبلیونی (۱۸) نام داشت و قلعه بزرگی بود که توسط ساردوری دوم در قرن هشتم پیش از میلاد فتح شده است. ساردوری دوم کتیبه‌ای را بر صخره‌های این مکان بر جای گذاشته و در آن علاوه بر روایت پیروزی نظامی، خبر از احداث یک قلعه می‌دهد (خطیب شهیدی، ۱۳۸۳: ۳۶۷، کلایس، ۱۹۷۲: ۱۴۵).

متن کتیبه: «خدای خالدی با نیزه خود به جنگ درآمد و پادشاه سرزمین پولو نامی، به اسم اولتودیالو(؟) و به سرزمین با[... شادی فرود آمد. خدای خالدی قدرتمند و سلاح خدای خالدی نیز قدرتمند است. ساردوری فرزند آرگیشتی به جنگ درآمد. ساردوری می‌گوید: در عرض یک روز ۲۱ قلعه تصرف نمودم و ۴۵ (و یا ۴۴) شهر تصرف کردم. به شهر مستحکم پادشاه لیبلیونی با قدرت حمله نموده و تصرف کردم. ساردوری پادشاه قدرتمند، پادشاه بزرگ، پادشاه سرزمین‌ها، پادشاه سرزمین بیه و خداوندگار شهر توشیا» (پاینه، ۲۰۰۶: ۲۴۰؛ سالوینی، ۱۹۸۱: ۶۹-۷۳)^۱

ب- کتیبه‌های اشیا کوچک از ساردوری فرزند آرگیشتی

^۱ - برای مطالعه بیشتر نک.

این کتیبه‌ها، بر سه قطعه از بدنه ارابه اسب یا بست محور چرخ‌های ارابه نوشته شده و شبیه چیزی است که می‌تواند یک مهر استوانه‌ای در خود جای دهد. هم اکنون در موزه ایران باستان نگهداری می‌شود.

متن کتیبه: «متعلق به ساردوری فرزند آرگیشتی» (پاینه، ۲۰۰۶: ۳-۲۶۲).

۵- کتیبه‌های روسای اول پسر ساردوری

الف- ستون یادبودی (استل) مرگه کاروان (۱۹)

این کتیبه دو زبانه بر روی یک ستون یادبودی (استل) که در بخش جلو و سمت چپ به زبان آشوری و در سمت راست و جانب پشتی به زبان اورارتویی نوشته شده است. متن این کتیبه همان متن کتیبه توپ زوا است.

متن کتیبه: «اورزانا پادشاه شهر آردینی به پیشواز من آمد. و من تمام لشکریان او را خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها دادم. و به دلیل این نیکی (هایی که کردم) و به خاطر خدای خالدی و برای عظمت روسا در جاده اصلی معبدهایی بنا نمودم. به اورزانا حکومت شهر آردینی را واگذاشتم و آن شهر را به او بخشیدم. من روسا فرزند ساردوری امسال را نیز به همان ترتیب به آردینی آمدم. و اورزانا را مقام‌هایی بزرگ و معظم دادم. اورزانا نیز در حضور من برای خدای خالدی قربانی‌هایی کرد. من نیز برای خدای خالدی معبد و برای قدرت خدایی او خانه‌ای ساختم. اورزانا نیروی جنگی اش را در اختیار من گذاشت. نیروی جنگی او را به لشکر خود ملحق نمودم و به پشتیبانی خدای خالدی به شهرهای آشوری در آدم و آنها را با خاک یکسان نمودم. بعد از آنکه اورزانا از من حمایت کرد من نیز او را مورد لطف خود قرار دادم و او را به تخت شاهی نشاندم و برای مردم آردینی جشنی برپا نمودم. سپس به سرزمین خود برگشتم. روسا خدمتگزار خدای خالدی و رهبر صادق مردم. به حول و عظمت خدای خالدی و قدرت لشکریانم از جنگ نه‌راسیدم. خدای خالدی به اندازه تمام عمر قدرت و شادکامی به من ارزانی داشت. دشمنان سرزمین بیه را نابود کردم.»

روایت اورارتویی (جبهه شمالی): «از این پس از جنوب دوستی برقرار خواهد بود.»

روایت آشوری (جبهه جنوبی): «هرکس تخریب نماید و هرکس که گناه بکند و هرکس که مرتکب اشتباه و خطا گردد خدای خالدی و خدای تی شه با و خدای شیوینی (و تمام) خدایان او و تمام خویشانش را هرگز رها نکنند.» (سالوینی، ۱۹۸۴: ۷۹-۹۵؛ پاینه، ۲۰۰۶: ۲۶۸-۶۹).

ب- کتیبه روسای اول در محمودآباد (۲۰)

این کتیبه در ۱۳۵۶ در ضمن کاوش در تپه محمود آباد ارومیه توسط خطیب شهیدی به دست آمده و متن آن حاوی وقف‌نامه‌ای از روسای اول در بزرگداشت خدای خالدی است. این کتیبه در ابعاد ۶۲ × ۱۰/۵ (ضخامت) سانتی متر و در ۱۴ سطر بر روی یک قطعه بلوک سنگی نقر گردیده است. بخش بالای کتیبه شکسته شده و از بین رفته است. اشتفان کرول معتقد است که این کتیبه ابتدا

روی یک بنای اورارتویی نصب شده بود و بعدها به محمود آباد انتقال داده شده است (به نقل از حاجی زاده، ۱۳۷۴: ۷۹).

متن کتیبه: «روسا پسر ساردوری می‌گوید که: در اینجا قربانی‌ها نمودم تا زمانی که پادشاهان عازم سفر می‌شوند به خدای شه بیتو یک گاونر و یک گوسفند، قربانی نمایند. زمانی که ساخته‌های نو (?) بنا شود به خدای شه بیتو یک گوسفند قربانی نمایند. زمانی که چیزی از سوسی ویران گردید (قربانی) نمایند. ... نگرده. زمانی که دروازه کولت (?) جدید ایجاد گردید (?) برای خدای شه بیتو یک گوسفند قربانی گردد. روسا خدمتگزار خدای شه بیتو و در کنار خدای شه بیتو (...) است. روسا هر زمان (...) (?) او باشد. روسا پسر ساردوری می‌گوید که: هرکس که این نوشته را تخریب نماید، زیر نور خورشید...» (پاینه، ۲۰۰۶: ۲۷۱)^۱

پ- ستون یادبودی (استل) موانا

این ستون یادبودی (استل) دو زبانه آشوری- اورارتویی در سال ۱۳۷۴ در روستای موانا کشف و به موزه ارومیه انتقال یافت. کتیبه آن که در روی سنگ گرانیت با ارتفاع ۲۷۵ سانتی متر و عرض ۷۵ سانتی متر و ضخامت ۳۵ سانتی متر حک شده به روسای اول تعلق داشته و متن آن شبیه ستون یادبودی (استل) توپ زاوا و مرگه کاروان است (خطیب شهیدی، ۱۳۸۳: ۳۸۰).

ت- اشیاء منقول (متعلق به روسا)

۱- لوح گلی مکشوفه از بسطام که در موزه ایران باستان نگهداری می‌شود.
متن روی لوح: «پادشاه می‌گوید که: درباره رئیس قلعه لویشوایانی، به مهرداد ایشیولوقویا (این) دستور را اعلام کن. پادشاه حمایت می‌کند (?) قول (می‌دهد؟: خدای زندگی (خوش باشد؟) (۲۱). یک نهالستان (?) مورد بحث (?) آن را برای فرمانده قلعه لویشوایانی (۲۲) جدا کرده بودم. اما (نهایتاً) رقیب او آدیابدی تصاحب نمود. (هر دو) در شهر آیسوآیزونی مامور هستند. (?) (۲۳) اکنون مقرر (می‌کنم) نهالستان (?) را از آدیابدی بگیر.»

متن پشت لوح: «(و) به لویشوایانی (۲۴) (پس) بده.»

متن مهر: «مهر شاهزاده روسا (فرزند) ساردوری.»

۲- لوح گلی مکشوفه از بسطام که در موزه ایران باستان نگهداری می‌شود.
متن روی لوح: «پادشاه می‌گوید که در مورد آزاد شدگان (?) به فرمانده قلعه لویشوایانی (این) دستورها را بده. پیشنهاد مردم اینجا (?) برای آنها هر نفر سه قرص نان است. (نهایتاً) یک پسر بالغ مجرد تقدیم بکن هر نفر دو قرص نان ارزش دارد. در روز اول این دستورات اجرا شود.»

۱- برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به:

Salvini (1977: 125-136); (1984: 77-78), (1986a: 155-159); Diakonov (1988a: 133-180); (1989: 90, no. 4).

متن پشت لوح: «مهر شاهزاده روسا فرزند ساردوری» (پاینه، ۲۰۰۶: ۲۷۳-۲۷۴؛ دیاکونوف، ۱۹۸۹: ۸۸-۹۰)^۱

۶- کتیبه های آرگیشتی دوم پسر روسا

الف - کتیبه رازلیق (۲۵)

این کتیبه بر صخره‌ای از کوه زاغان واقع در ۱۲ کیلومتری شمال سراب، در ناحیه رازلیق، در میان ویرانه‌های یک قلعه قدیمی کنده شده است. این سنگ نوشته به قطع ۸۰ × ۱۲۵ سانتی متر و در ۱۶ سطر است (حاجی زاده، ۱۳۷۴: ۷۵). ولفرام کلایس این کتیبه را متعلق به آرگیشتی دوم (۶۸۵ - ۷۱۳ ق.م) می‌داندسته که در فاصله قرون ۸ و ۷ ق.م. به مناسبت تسخیر همان قلعه آن را نوشته است و مجدداً توسط آرگیشتی ساخته شده و نام آرگیشتی ایردو گرفته که تقریباً تیول آرگیشتی معنی می‌دهد (کلایس، ۱۳۵۴: ۲۰۴-۲۰۵؛ نک. تصویر ۳)

متن کتیبه رازلیق: «به حول و عظمت خدای خالدی آرگیشتی پسر روسا همین گوید که: به سرزمین آرهو (آرهو) لشکر کشیدم. من سرزمین اوشلو (اودولوشو) و سرزمین بوکو (برقو) را تسخیر کردم. من تا کنار رودخانه مونا رسیدم و از آنجا بازگشتم. من سرزمین گیرودو، گنومایی و توایشیدو را تسخیر کردم و شهر روتومنی را گرفتم. سرزمین‌هایی را که گرفتم همگی به من باج دادند. من آن را آرگیشتی ایرودو نامیدم. تا به خاطر تقویت بیه برای مطیع ساختن سرزمین‌های دشمن. تا به حول و عظمت خدای خالدی و آرگیشتی بزرگ شاه شاهان و شاه جهان خداوندگار شهر تویشیا آرگیشتی می‌گوید هرکس نام مرا محو کند یا به این کتیبه خسارتی وارد بیاورد، امیدوارم خدایان خالدی و تهابیشیانی و شیوینی و نام او را در زیر نور خورشید محو نمایند.» (بندیکت، ۱۹۶۵: ۳۵-۴۰؛ پاینه، ۲۰۰۶: ۲۷۵).

ب- کتیبه آرگیشتی دوم در نشتیان (۲۶)

بررسی‌های گروه آلمانی در سرزمین‌های شرقی اورارتویی، منجر به کشف قلعه نشتیان در دهکده نشتیان واقع در دره قراکوه، از سرچشمه‌های آجی چای و از پیش کوه‌های سبلان در ۲۵ کیلومتری شرق سراب و ۶۲ کیلومتری جنوب غربی اردبیل گردید. یک کتیبه نیز از آرگیشتی دوم در روستای نشتیان کشف شده، ابعاد این کتیبه ۸۵ × ۱۲۵ سانتی متر است و در ۱۲ سطر است. آرگیشتی در این کتیبه از فتوحات خود سخن گفته است (حاجی زاده، ۱۳۷۴: ۷۶). این کتیبه مکان‌های اورارتویی در

^۱ - برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به:

Salvini (1977: 125-136); (1984: 77-78), (1986a: 155-159); Diakonov (1988a: 133-180); (1989: 90, no. 4).

متصرفات شرقی آن دولت را تا حدی روشن نمود (کلایس، ۱۹۷۲: ۱۴۵). نشتبان شرقی‌ترین محوطه اورارتویی است که تاکنون کشف گردیده است و نشان از بازسازی کشور و گسترش مرزهای آن، پس از شکست روسای اول از سارگن دوم، دارد. از سوی دیگر این اثر تماس مستقیم اورارتو با منطقه تالش و حکومت‌های موجود در غرب دریای مازندران را اثبات می‌کند (خطیب شهیدی، ۱۳۸۳: ۳۷۲ به نقل از سالوینی. آ و سالوینی. م، ۱۹۹۹: ۱۷-۳۲)

متن کتیبه: «به حول و عظمت خدای خالدی آرگیشتی پسر روسا می‌گوید که: سرزمین... و سرزمین... را تسخیر نمودم... من تا کنار رودخانه مونا رسیدم و از آنجا بازگشتم. من سرزمین گیروودو، گنومایی و سرزمین توایشیدو شهر دیگر... را تسخیر نمودم. شهر را با قدرت تسخیر نمودم. سرزمین‌هایی را که من گرفتم تحت باج خود قرار دادم. آرگیشتی می‌گوید: هر کس این نوشته تخریب کند...» (بندیکت، ۱۹۶۵: ۳۵-۴۰؛ پاینه، ۲۰۰۶: ۲۷۵).

پ- یک کتیبه از یک گورستان اورارتویی (۹) در شمال غرب ایران به دست آمده و هم‌اکنون در موزه شهر وان ترکیه قرار دارد. این کتیبه بر روی یک عدد شی مفرغی گرد که در مرکز آن برجستگی کوچکی قرار دارد حک شده است.

متن کتیبه: «اموال آرگیشتی» (بللی، ۱۹۷۶-۱۹۷۷: ۱۸۳-۱۸۵)

ت- کتیبه شیشه متعلق به آرگیشتی دوم

این کتیبه صخره‌ای متعلق به آرگیشتی دوم که در ۴۰ کیلومتری شمال شرق شهرستان اهر و در نزدیکی روستای شیشه قرار داشته و اهالی محل آن را صندوق داشی می‌نامند.

۷- کتیبه‌های روسای دوم فرزند آرگیشتی

الف- کتیبه‌ای از ویرانه‌های جنوب غربی شهر ماکو بر روی لوحه سنگی که هم‌اکنون در موزه ایران باستان نگهداری می‌شود.

متن کتیبه: «روسا پسر آرگیشتی این معبد را برای خدای خالدی احداث نمود. به حول و عظمت خدای خالدی روسا پسر آرگیشتی می‌گوید که: به صخره‌ها دست زده نشده بود، و در آنجا هیچ ساختمانی احداث نشده بود. به منظور اطاعت(?) از خدای خالدی من ساختم. (آنجا را) شهر کوچک روسا نام نهادم. روسا پسر آرگیشتی می‌گوید که: هر کس این نوشته را تخریب کند، هر کس کارهای گناه آلود انجام دهد و یا هر کس ویرانی ایجاد کند خدای خالدی و خدای ته شیبانی و خدای شیوینی و تمام خدایان او را محو سازند. و نام او را در زیر نور خورشید محو نمایند. روسا پسر

آرگیشتی پادشاه قدرتمند، پادشاه سرزمین‌ها، پادشاه بیه و شاهشاهان و خداوندگار توشیا» (پاینه ۲۰۰۶: ۲۸۴)^۱

ب- کتیبه‌ای بر روی تکه سنگی در بسطام

متن کتیبه: «... روسا پسر آرگیشتی...» (شولر، ۱۹۷۰: ۱۰۵؛ پاینه، ۲۰۰۶: ۲۹۵)

پ- کتیبه مکشوفه از لایه باقیمانده خاکستر در قلعه بالایی بسطام که هم اکنون در موزه ایران باستان نگهداری می‌شود. این کتیبه بر روی ۱۷ قطعه اثر مهر نوشته شده است. متن کتیبه: «این مهر روسا است» (سالوینی، ۱۹۷۹: ۱۳۳-۱۳۶، زایدل، ۱۹۷۹: ۱۳۸؛ پاینه، ۲۰۰۶: ۳۰۰-۳۰۱).

ت- ۱۰ عدد اثر مهر کتیبه‌دار در سال ۱۹۷۷ و ۶۱۰ عدد دیگر در سال ۱۹۷۸ از بسطام به دست آمد که هم اکنون در موزه ایران باستان نگهداری می‌شود.

متن کتیبه: «این مهر روسا پسر آرگیشتی است.» (سالوینی، ۱۹۸۸: ۱۲۵-۱۲۶؛ پاینه، ۲۰۰۶: ۳۰۱)^۲

ث- ۴ عدد اثر مهر کتیبه‌دار که در سال ۱۹۷۷ و ۲۳۸ عدد دیگر در سال ۱۹۷۸ از بسطام به دست آمد که هم اکنون در موزه ایران باستان نگهداری می‌شوند.

متن کتیبه: «این مهر از آن روسا (؟) است.» (سالوینی، ۱۹۸۸: ۱۲۵-۱۲۶؛ زایدل، ۱۹۸۸: ۱۴۶؛ پاینه، ۲۰۰۶: ۳۰۱).

ج- کتیبه‌های موجود در اثر مهرهای مکشوفه از بسطام که هم اکنون در موزه ایران باستان نگهداری می‌شوند.

متن کتیبه: «روسا پسر آرگیشتی در آن سالی که روبروی کوه قلیبا تختگاه و شهر روساهینیلی را برپا نمود قطعات تخت را ... مارانگوزها ... سرزمین آلا در شهر کوچک روسا.» (سالوینی، ۱۹۸۸: ۱۳۰-۱۳۱ و ۱۳۴-۱۳۵؛ پاینه، ۲۰۰۶: ۳۰۱-۲).

۸- کتیبه‌های ساردوری سوم فرزند روسا

کتیبه‌ای بر روی لوح گلی از این شاه یافته شده که هم اکنون در موزه ایران باستان نگهداری می‌شوند.

^۱ - برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به:

Sayce, (1912: no. 92); Sandalgian (1913: 405-406); Marr (1921a: 1-54); Meşçaninov (1927: no. 3, 17); Payazat (1936: 101), Schuler (1970: 104, no. 4); Kleiss, (1977: 13); Berghe-Meyer (1982: no. 237), Payne (2006: 284).

^۲ - برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به:

Seidl (1988: 146, no. B2), res. 23.1-6, 24.1-7; Merhav (199: 317), res. 6.

روی لوح: «در مورد شه نینی (این) دستور داده شد: به مامور شه [] و به مامور [] در مورد جاسوس
ما [] بگو: زندگی خود را برای خدا انجام دهد.»

پشت لوح: «...مامور...پادشاه...»

کتیبه اثر مهر: «سار(ردوری) پسر سار(دوری)» (سالوینی، ۱۹۷۹: ۱۲۵-۱۲۷؛ زایدل، ۱۹۷۹: ۱۳۷؛
پاینه، ۲۰۰۶: ۳۱۴).

۹- کتیبه‌های اورارتویی با گاهنگاری نامشخص

۹-۱- کتیبه دستبند تول تالش

در کاوشهای منطقه تول تالش، دستبندی مفرغی به دست آمد که بر روی آن کتیبه‌ای هم نوشته
شده بود و هم اکنون در موزه رشت نگهداری می‌شود. کتیبه بر سطح درونی دستبند نوشته شده
است.

متن کتیبه نخست این گونه خوانده شد: «هدیه آرگیشتی» (بشاش، ۱۳۸۳: ۱۴-۱۵)؛ اما، بازنگری بر
این کتیبه قرائت دیگری داده شده است. در این بازنگری چنین قرائت شد: «پسر آرگیشتی اهداء
کرد». این پسر می‌تواند ساردوری دوم پسر آرگیشتی اول یا روسای دوم پسر آرگیشتی دوم باشد.
چون بیشتر از آرگیشتی اول در گیلان کتیبه‌ای به دست آمده، آن نوشته بر این قیاس متعلق به
ساردوری دوم دانسته شده است (رزمجو، ۱۳۸۳: ۹۵). تحلیل‌های گوناگونی که از زمان کشف (۱۳۸۱)
این دستبند تاکنون از جانب باستان‌شناسان ایرانی و خارجی ارائه گردیده به شدت متضاد و متناقض
است و نمی‌توان به آسانی تعلق این اثر و کتیبه آن را به یکی دو پادشاه هم نام اورارتویی (آرگیشتی
اول، یا آرگیشتی دوم) مشخص کرد؛ چرا که هنوز نتایج و داده‌های باستان‌شناسی ایران نتوانسته که
حدود مرزهای جنوبی و شرقی اورارتو را مشخص نماید. حتی دلایل حضور یا عدم حضور این
پادشاهی در منطقه تالش ایران محل تردید است. از این رو، در چنین شرایطی اظهار نظر در مورد
مالکیت دستبند و کتیبه مذکور تا زمان آشکار گردیدن مرزهای قطعی اورارتو در شمال غرب ایران
بدون پاسخ می‌ماند.

۹-۲- کتیبه نویافته کلاخود موزه رضا عباسی

نگارنده در سال ۱۳۸۶ و در جریان تحقیق و بررسی اشیاء فلزی منتسب به اورارتو موجود در موزه رضا
عباسی تهران، متوجه کتیبه‌ای مخدوش و آسیب دیده بر روی یکی از کلاخودهای آن موزه
گردیدم. کلاخود مذکور از جنس مفرغ و با فرم مخروطی که یک بخش الحاقی به شکل هلال نیز
بدان افزوده گردیده بود. در جریان مطالعه و طراحی این اثر در قسمت لبه نقوشی بسیار ریز که با
نوک قلم حکاکی شده بودند و شبیه علائم میخی بودند جلب توجه می نمودند که متأسفانه به دلیل
اکسید شدید و تخریب انجام گرفته حاصل از همین اکسید برخی از قسمت‌های پوسته فلزی لبه
کنده شده بودند و علائم قابل مشاهده میخی به صورت متوالی نبود و حالت منقطع پیدا کرده بودند.

نهایتاً با بررسی دقیق مشخص شد که این اثر در قسمت لبه خود و در همین فضایی که شش عدد سوراخ موجود است یک دور کامل متنی را در خود جای داده است. نهایتاً پس از چندین مرحله نسخه‌برداری از کتیبه فوق، نسخه صحیح‌تر به عنوان نسخه نهایی انتخاب گردید و به منظور تأیید در اورارتویی بودن، متن کتیبه به گروه کتیبه‌ها و متون کهن پژوهشکده زبان و گویش وقت ارائه شد. پس از بررسی و رایزنی‌های لازم، اورارتویی بودن کتیبه فوق رسماً تأیید و نام ساردوری و نیز واژه «کلاهخود» بر روی آن دیده شده است. قرائت متن کتیبه به منظور رایزنی و تبادل نظر بیشتر با متخصصان زبان اورارتویی به زمان دیگری در آینده موکول گردید (صیوری، ۱۳۸۷: ۲۹۳-۲۹۴) از این رو تعیین مالکیت قطعی اثر و کتیبه مذکور پس از ترجمه کامل متن ممکن خواهد بود. (تصویر ۵).

۳-۹- کتیبه‌ای در معبد خدای خالدی مکشوفه از تراس بزرگ محوطه بسطام که بر روی تکه سنگی قرار دارد. متن کتیبه هنوز ترجمه نشده است (شولر، ۱۹۷۲: ش. ۳۷؛ پاینه، ۲۰۰۶: ۳۲۴)

۴-۹- کتیبه‌ای بر روی لوح گلی مکشوفه از بسطام.

متن کتیبه: «ا گوسفند / آرو/ [... ا گوسفند / منو/ [... ا گوسفند / اول/ [... ا گوسفند...» (سالوینی، ۱۹۸۸: ۱۲۹؛ پاینه، ۲۰۰۶: ۳۲۹).

۵-۹- کتیبه‌ای ناخوانا بر روی تکه‌ای از یک لوح گلی که هم اکنون در موزه ایران باستان نگهداری می‌شود. (شولر، ۱۹۷۲: ۱۲۱-۱۲۲؛ پاینه، ۲۰۰۶: ۳۲۹).

۶-۹- بر روی یک قطعه از بدنه یک خمره که از بسطام به دست آمده است کتیبه‌ای هم به صورت خط میخی و هم به صورت هیروگلیف وجود دارد، ولی قرائت نشده است (شولر، ۱۹۷۲: ۹۳-۱-۶؛ پاینه، ۲۰۰۶: ۳۳۵-۳۳۶).

۷-۹- بر روی یک قطعه از بدنه یک خمره که از بسطام به دست آمده کتیبه‌ای وجود دارد (شولر، ۱۹۷۲: ش. ۳۰؛ پاینه، ۲۰۰۶: ۳۳۶).

۸-۹- بر روی سه قطعه از بدنه یک خمره که از بسطام به دست آمده، کتیبه‌ای وجود دارد

متن کتیبه: «شهر کوچک روسا» (سالوینی، ۱۹۸۸: ۱۴۰؛ پاینه، ۲۰۰۶: ۳۳۶-۷).

۹-۹- در منطقه مسکونی بسطام ده‌ها قطعه اثر مهر به دست آمده است که دارای کتیبه‌هایی است و هم اکنون در موزه ایران باستان نگهداری می‌شوند؛ متن این کتیبه‌ها هنوز قرائت نشده است (شولر، ۱۹۷۲: ش. ۳۵؛ سالوینی، ۱۹۷۹: ۱۳۳-۱۳۶).

۱۰-۹- در قلعه بالایی بسطام اثر مهری کتیبه‌دار با تصویر شیر

متن کتیبه: «متعلق به سرزمین نونیا» (سالوینی، ۱۹۷۹: ۱۳۵-۱۳۶).

۱۱-۹- در منطقه مسکونی بسطام یک قطعه اثر مهر کتیبه‌دار به دست آمده است.

متن کتیبه: «متعلق به سرزمین نونیا» (سالوینی، پیشین).

۹- ۱۲- از میان ۴۶ اثر مهر مکشوفه از بسطام در ۳۹ مورد واژه «مهر شاهزاده» نوشته شده است. (سالوینی، ۱۹۸۸: ۱۲۶-۱۲۹؛ زایدل، ۱۹۸۸: ۱۴۵-۱۵۴).

۹- ۱۳- تعدادی از کتیبه‌های اثر مهرهای مکشوفه هنوز ترجمه و معرفی نشده‌اند. (سالوینی، ۱۹۸۸: ۱۲۶-۱۲۹؛ زایدل، ۱۹۸۸: ۱۴۵-۱۴۷).

۹- ۱۴- کتیبه‌ای بر روی یک اثر مهر مکشوفه از بسطام که در محل موزه ایران باستان نگهداری می‌شود.

متن کتیبه: «خانه/ینای/یقیسالی» (سالوینی ۱۹۸۸: ۱۳۸).

۹- ۱۵- کتیبه‌ای بر روی یک اثر مهر مکشوفه از بسطام که در محل موزه ایران باستان نگهداری می‌شود.

متن کتیبه: «مامورین شهر روسای کوچک سرزمین آلا» (سالوینی، ۱۹۸۸: ۱۳۹-۱۴۰).

نتیجه گیری

با توجه به ذکر مطالب فوق و موارد معرفی شده در مورد کتیبه‌های مکشوفه از شمال غرب ایران و متون ترجمه شده برخی از کتیبه‌های مذکور می‌توان چنین بیان داشت که :

الف- پادشاهان اورارتویی طی دوران حضور خود در شمال غرب ایران سعی نمودند تا با بر جای گذاشتن انواع گوناگونی از کتیبه‌ها در اشکال متنوع کتیبه‌های صخره‌ای، ستون یادبودی (استل)، سفال‌نوشته، الواح گلی، اثرمهر، و کتیبه‌های کوتاه و بلند اشیاء فلزی و ... حضور سیاسی و نفوذ فرهنگی خود را در صفحات تاریخ این منطقه به ثبت برسانند. هنرمندان و صنعتگران اورارتویی اعم از بومیان شمال غرب ایران و یا آنهایی که از مناطق شرق آناتولی به همراه اردوهای پادشاهان اورارتو وارد این سرزمین شدند در این زمینه تمام تلاش خود را اعمال داشتند تا به بهترین نحو ممکن مطالب مورد نظر پادشاهان اورارتو را کتابت نمایند.

ب- دقت و تامل در انشای متون کتیبه‌ها آشکار می‌سازد که از لحنی خشک و آمرانه برخوردار است و در اغلب موارد ساختار کلیشه‌ای و ثابت دارند. این مسئله حتی با گذشت سده‌ها و تفاوت نسل‌ها نیز تغییر چندانی پیدا نمی‌کند.

پ- اطلاعات قابل استخراج از کتیبه‌ها از بابت نام برده شدن از افراد و مکان‌ها و شهرها مفید است. ولی به جهت اینکه حتی در چنین مواردی صرفاً نام مکانی ذکر گردیده و اشاره‌ای به نام شهرهای همجوار و مسیرهای منتهی بدان نشده و یا از فاصله محل مذکور با پایتخت اورارتوها بیه و یا سزمین‌های بیگانه ذکری به میان نیامده در اغلب موارد مشخص نمودن شهرها و محل‌های نام برده شده صرفاً براساس حدس و گمان و استنتاج است.

ت- حاصل متن کتیبه‌ها آشنایی با روح پرطراوت، فعال و سازنده پادشاهان اورارتویی است. این مسئله از آنجا آشکار است که در بسیاری از کتیبه‌های مذکور از جمله کتیبه‌های منوآ شاهد هستیم

که این پادشاهان حتی در زمان سرگرم بودن به جنگ‌های طولانی و پی در پی همواره در حال آبادانی و ساخت و ساز بناها، معابد، راه‌ها و کانال‌های آبرسانی هستند یعنی همان چیزی که آنها را به عنوان اولین پادشاهی هیدرولیکی جهان معروف نموده است.

ث- گفتار پادشاهان اورارتویی در کتیبه‌هایشان در خصوص ذکر خدایان و ساخت معابد فراوان برای آنان و اهدای هدایا و قربانی‌های فراوان به آنان نیز از دیگر موارد قابل توجه است که نشانگر نفوذ شدید مذهب در دربار اورارتو است. چنانکه شاهد هستیم که ایشپونی و منوآ در کتیبه قالاتگاه می‌نویسند: «به حول و عظمت خدای خالدی و به حول و عظمت خدای تئی شه بانئ، پادشاه بیه و خداوندگار ... هم برای خدای خالدی و هم برای خدای تئی شه بانئ بنایی (۲) برقرار نمودند...»؛ و در کتیبه کله‌شین نیز ذکر می‌کنند که «ایشپونی پسر ساردوری و منوآ پسر ایشپونی، زمانی که به شهر آردینی (۶) و به حضور خدای خالدی آمدند، یک معبد (۷) برپا ساخته و برای خدای خالدی ستون یادبودی تدارک دیدند. در جلو معبد ایشپونی پسر ساردوری جایگاه نیزه‌های سالم (۸)، جایگاه حیوانات بسیار بزرگ، جایگاه مس...ها، جایگاه ظروف مسی، جایگاه... و باز هم جایگاه حیوانات بزرگ (منظور گاوها) برپا نمود. (تمام اینها را) در دروازه خالدی قرار داده و برای زندگی سرشار از موفقیت به سرورمان خالدی تقدیم نمودیم. ۱۱۱۲ حیوان بزرگ (گاو)، ۹۱۲۰ داوطلب (۹) (آورده شده) بز ماده و گوسفند و ۱۲۴۸۰ بز ماده بالغ قربانی نمودند...». و موارد بسیاری از این دست را می‌توان در متون کتیبه‌های اورارتویی مشاهده نمود که بیانگر اهمیت ارادتمندی پادشاهان به مذهب و فرمانبرداری آنان از خدایان است.

پی نوشت‌ها :

- ۱- قالاتگاه(قلعه): ایران- اشنویه- جنوب غرب دریاچه ارومیه در شهرستان اشنویه و نزدیکی حسنلو.
- ۲- احتمالاً منظور از بنا ساخت یک معبد بوده است.
- ۳- کله‌شین: ایران- جنوب غرب دریاچه ارومیه- مرز ایران و عراق- بر سر مسیر شهرستان رواندوز عراق به اشنویه ایران.
- ۴- واژه پادشاه بزرگ صرفاً در متن آشوری آمده است.
- ۵- در متن آشوری نایری آمده است.
- ۶- در متن اورارتویی شهر آردینی و در متن آشوری شهر موصاصیر ذکر شده است.
- ۷- در متن آشوری از واژه خانه استفاده شده است.
- ۸- این عبارت را همچنین می‌توان انبار اسلحه نیز قرائت نمود.
- ۹- در متن اورارتویی این رقم ۹۰۲۰ ذکر گردیده است.
- ۱۰- میلیکشویلی «ناقوس معبد» ترجمه می‌کند.

- ۱۱- تاش تپه: ایران- آذربایجان غربی- شمال غرب شهر میاندوآب و جنوب شرق دریاچه ارومیه.
- ۱۲- اشنویه: ایران- استان آذربایجان غربی، شهر کوچکی در جنوب غرب دریاچه ارومیه.
- ۱۳- BARZUDIBIDU: اقامتگاهی مخصوص پادشاه.
- ۱۴- عین روم (Ain-e Rum): ایران- ارومیه- ۱۸ کیلومتری شمال اشنویه به ارومیه و در کنار رود قاسملو.
- ۱۵- TARMANILI: آب نما.
- ۱۶- آلیشار: ایران- ماکو- در کنار رود ارس و روبروی شهر نخجوان.
- ۱۷- سقیندل: ایران- آذربایجان شرقی- ۳۰ کیلومتری شمال اهر و ۸ کیلومتری شرق ورزقان.
- ۱۸- Libliyuni
- ۱۹- مرگه کاروان: ایران- آذربایجان غربی- به فاصله ۷ کیلومتری کله‌شین.
- ۲۰- محمود آباد: ایران- آذربایجان غربی- در غرب دریاچه ارومیه و جنوب شهر ارومیه.
- ۲۱- دیاکونوف (۱۹۸۸ الف، ۱۹۸۹) بدین گونه قرائت نموده است: «دربارہ لوشوسی بگو: التزام (دادم) اطاعت کن که پادشاه به خدا برای زندگی تو دعا کند به راستی»، اکثر مطالب لوح‌های گلی پیغامی درباره آرزوی زندگی خوش و پیغام سلام هستند.
- ۲۲- دیاکونوف (۱۹۸۸ الف، ۱۹۸۹) بدین گونه قرائت نموده است: «چنانچه گفته شد یک نهالستان برای فرمانده لوشوسی فرمانده قلعه.»
- ۲۳- دیاکونوف (۱۹۸۸ الف، ۱۹۸۹) بدین گونه قرائت نموده است: «فرمانداری شهر آزیو را کنترل نمود.»
- ۲۴- دیاکونوف (۱۹۸۸ الف، ۱۹۸۹) بدین گونه قرائت نموده است: «به لوشوسی.»
- ۲۵- رازلیق: آذربایجان شرقی ۱۳ کیلومتری سراب، روستای دیزج سفید. گروه آلمانی در سال ۱۹۷۱ میلادی در ۱۵ کیلومتری شمال سراب بین قریه سراکوه و بخش رازلیق آثاری از قلعه اورارتویی و کتیبه‌ای از زمان آرگیشتی دوم به دست آورد (کلایس، ۱۹۷۲: ۲۴۲).
- ۲۶- قرقیزلار (نشتیان): آذربایجان شرقی- حدفاصل تبریز و اردبیل و ۲۰ کیلومتری شمال شرق شهر سراب.

منابع

- بشاش کنزق، رسول (۱۳۸۳)، «قرائت دو کتیبه تازه اورارتویی در آذربایجان و تول تالش»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران: حوضه شمال غرب، تهران: انتشارات پژوهشکده باستان‌شناسی، چاپ اول.

- پیوتروفسکی، بوریس. ب. (۱۳۴۸)، *اورارتو*، ترجمه عنایت الله رضا، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- پیوتروفسکی، بوریس. ب. (۱۳۸۳)، *تمدن اورارتو و باستان‌شناسی اورارتو پس از ۱۹۶۰*، ترجمه حمید خطیب شهیدی، تهران: انتشارات پژوهشکده باستان‌شناسی، سازمان میراث فرهنگی کشور. چاپ اول.
- حاجی زاده، کریم (۱۳۷۴)، *بررسی استقرارهای اورارتویی در شمال غرب ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- خلعتبری، محمدرضا (۱۳۸۱)، «*کاوش‌های باستان‌شناسی تالش، تول تالش*»، اداره کل میراث فرهنگی استان گیلان.
- دیاکونوف، میخائیل میخائیلوویچ (۱۳۷۱)، *تاریخ ماد*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: انتشارات علمی، فرهنگی، چاپ سوم.
- رزمجو، شاهرخ (۱۳۸۳)، «*یک دستبند مفرغین با نوشته اورارتویی از تول گیلان*»، *کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه‌های باستانی تول گیلان تالش*، به کوشش محمدرضا خلعتبری، اداره کل میراث فرهنگی استان گیلان با همکاری پژوهشکده باستان‌شناسی، صص. ۹۱-۹۷.
- صیوری نوجه دهی، رضا (۱۳۸۷)، «*پژوهشی بر یافته‌های فلزی اورارتویی در شمال و شمال غرب ایران*»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر.
- کلایس، ولفرام (۱۳۵۴)، *گزارش سفرهای باستان‌شناسی سال ۱۹۷۱ در ایران*، مجموعه گزارش‌های باستان‌شناسی در ایران، ترجمه سروش حبیبی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مشکور، محمد جواد (۱۳۳۲)، «*تاریخ مردم اورارتو و کشف یک سنگ نبشته به خط اورارتو در آذربایجان*»، *نشریه انجمن فرهنگ و هنر ایران*. شماره ۱، تهران.
- (۱۳۴۵)، *تاریخ اورارتو و سنگ نبشته‌های اورارتویی در آذربایجان*، تهران: موسسه مطالعات و بررسی‌ها و کاوش‌های علمی و هنری و تاریخی ایران باستان.
- واندنبرگ، لویی (۱۳۷۹)، *باستان‌شناسی ایران باستان*، ترجمه عیسی بهنام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- هرتسفلد، ارنست (۱۳۸۱)، *ایران در شرق باستان*، ترجمه همایون صنعتی زاده، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دانشگاه شهید باهنر کرمان، چاپ اول.
- Amin, M. (1952), *Masallata Tubzava va Kilah sin*, Sumer 8: 5371.
- Barnett, R. D., J. E. Curtis (1973), "A Review of Acquisitions 1963-70 of Western Asiatic Antiquities", *British Museum Quarterly* 37: 133.

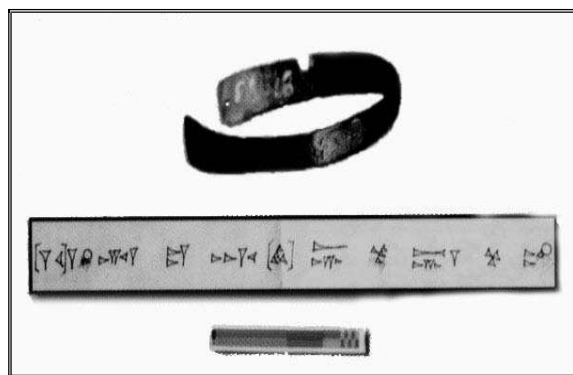
-
-
- Basmadjian K. Y, Basmajean K. Y, (1897), *Inscription cuneiforme vannique de Manazkert*, Venedik.
 - (1903), *Quelques observations sur l'inscription de Kelischin*, fA (100): 554-555.
 - Belck, W. (1895), *Bauten und Bauart der Chalder*, VBGAEU 27: 601616
 - Belck, W. and C. F. Lehmann (1892), *Inuspuas Sohn des Menuas*, ZA 7: 255-267.
 - Belli, O, A. and M. Dincol (1980), *Hazine Piri Kapisi ve Aşagl Zivistan Tas Ocaklan/ Die Inschrift von Hazine Piri Kapisi und die Steinebrüche urn der Burg von Nieder Zivistan*, AnAr 8: 167-181.
 - Benedict, W. C. (1961), *The Urartian-Assyrian Inscription of Kelishin*, Journal of the American Oriental Society 81: 359-385.
 - Bohmer, R. M. (1979), *Zur Stele von Topzawa*, Baghdader Mitteilungen 10: 50- 52.
 - Berghe, L.Vanden, and L.de Meyer (eds.) (1982), *Ilrartu-Een vergeten Cultuur uii het Bergland Armenie*, Ghent.
 - Frankel, D. (1979), *The Ancient Kingdom of Urartu*, London.
 - Kleiss, W. (1977), *Bastam (Rusai-URU- TUR) Fuhrer zu archiologischen Platzen in Iran, 1*, Berlin.
 - (ed.)(1979a), *Bastam 1: Ausgrabungen in den urartiischen Anlagen 1972-1975 Teheraner Forschungen 4*, Berlin.
 - (1979b), *Cefassmatken in urartaischer Hieroglyphenschrift und Keilschrift aus Bastam*, Kleiss, W. (ed.), Bastam 1, Berlin: 221-228.
 - van Loon, M. N. (1974), *The Euphrates Mentioned by Sarduri II of Urartu*, K. Bittel, P. H. J. Houwink ten Cate, E. Reiner (eds.), *Anatolian Studies Presented to Hans Gustav Gutterbock on the occasion of his 65th birthday*, Istanbul: 187-194.
 - (1975), "The Inscription of Ishpuini and Meinua at Qalatgah", Iran, Journal of Near Eastern Studies 34: 201-207.
 - Marr, N. A. (1915), *Haldskaya klinoobraznaya nadpis iz sela Leska Vanskogo okruga*, IAN 6(9): 1731-1738.
 - Melikişvili, G. A., (1960a), *Urartskiye klinoobrazniye nadpisi*, Moskova, 1960. (= Melikişvili 1953-b + Melikişvili 1954).

- (1960b), *"Novaya urartskaya nadpis iz Iranskogo Azerbayddjana"*, Vostochniy sbornik 1: 59-74.
- (1960c), *"Novaya urartskaya nadpis iz Iranskogo Azerbayddjaria"*, VD! (3): 3-11
- (1960d), *"Eine neue urartaische Inschrift aus den Iranisehen Azerbaidsheri"* Oriental Studies: 29-37.
- Minorskii, V. F. (1917), *Kelyasin stela u Topuzava i drevneisiye palTlyatniki vblizi Urmiyskogo ozera*, ZVO 24: 145-193.
- Morgan, J. J. M.de (1889), *Mission Scientifique au Caucase*, 2, Paris.
- (1896a), *Mission Scientifique en Perse* 4(1), Paris.
- (1896b), *La stele de Kel-i-Chin*, Mission Scientifique en Perse 4(1), Paris: 261-283.
- Morgan, J. J. M.de, V. Scheil (1896), *La stele de Kel-i-schin*, RT 14: 153-160.
- Payne, Margaret. R. (2006): *Urartu Çiviyazılı Belgeler Kataloğu* Arkeoloji ve sanat Yayınları, İstanbul– 2006.
- Salvini, M. (1967), *"Neue urartaische Inschriften aus Karmir-blur"*, Orientalia 36: 437-449.
- Salvini, M. (1971), *"Neues urartaisches Inschriftenmaterial aus sowjetischen Veroffentlichung"*, ZA 61: 241-254.
- (1973), *"Urartaisches epigraphisches Material aus Van und Umgebung"*, Belleten 37(147): 279-287.
- (1976-80), *"Kelişin"*, Reallexikon der Assyriologie, V, New YorkBerlin: 568-569.
- (1977), *"Eine neue urartaische Inschrift aus Mahmud Abad (West-Azerbaidjan)"*, AMI10: 125-136.
- (1978), *"A Dedicatory Inscription of the Urartian King Ispuini"*, Assur 1(8): 171-174.
- (1979a), *"Die urartaische Tontafeln"*, (ed.) W. Kleiss (ed.), Bastam 1, Berlin: 115-131.
- (1979b), *"Zu den beschrifteten Tonbullen"*, W. Kleiss (ed.), Bastam 1, Berlin: 133-136.
- (1979c), *"Una 'bilingua' assiro-urartea"*, O. Carruba (ed.), Studia Mediterranea P. Meriggi dedicata, Pavia: 575-593.
- (1979d), *"Die urartaischen schriftlichen Quellen a us iranisch-Azerbaidjan. 1. Die Inschriften der Könige Ispuini und*

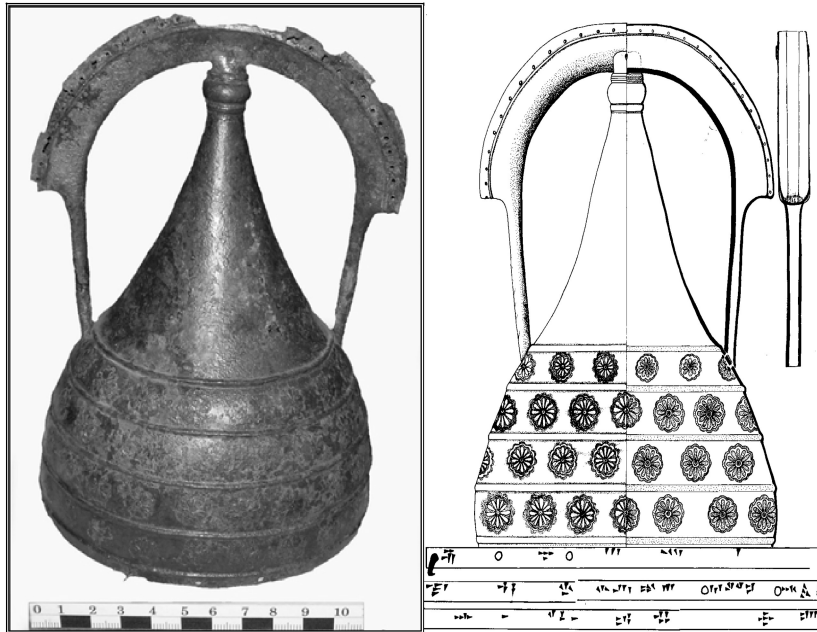
-
-
- Menua", Akten des 7 internationalen Kongresses für iranische Kunst und Archäologie München, 7-10 September 1976, (AMl, erg. bd .6), Berlin: 170-177.
- (1979e), "Das Susi-Heiligtum von Karmir-blur und der urartaische Turmtempel", AMl1 2: 249-269.
- (1980a), "Un Testo celebrativo di Menua" SMEA 22: 137-168.
- (1980b), "Note sulle nuove epigrafi urartee del distretto di Van", SMEA 22: 169-180.
- (1980c), "Iscrizione cuneiformi urartee su oggetti di metalli", SMEA 22: 181-190.
- (1981), "Utoçneniya v çtenii dvuh urartskih nadpisey v iran skom Azerbaydjan", i. M. Diakonov (ed.), Drevniy Vostok i miravaya kuliura, (B. B. Piotravskii anma kitabi), Moskova: 69-73 (= Salvini 1982-a).
- (1984), "I documenti", P .E. Pecorella, MıSalvini, (eds.), Tra lo Zagros e l'Urmia, Rome: 53-137.
- (1988), "Die urartaischen Schriftdenkmaler aus Bastam (1977-1978)", W. Kleiss (ed.), Bastam 2, Berlin: 125-144.
- Salvini, B. Andre-, M. Salvini (1992), *Gli annali di Argisti I - Note e . collazioni*, SMEA 30: 9-23.
- (1995), *Ricognizioni Epigraphische Urartee*, SMEA 36: 125140. *Orientalia* 36: 437-449.
- Salvini, Mirjo (2008) *Corpus Dei Testi Urartei*. Volume I. Roma.
- Sayce, A. H. (1882), "The Cuneiform Inscriptions of Van", *JRAS* 14: 377732 (no. 1-57).
- Schuler, E. van (1972), "Urartaische Inschriften aus Bastam 2", *AM!* 5: 117134.
- Tanabe, K., A. Hori, T. Hayasi, S. Miyashita, K. Işhida (1982), *Studies in the Urartian Bronze Objects From Japanese Collection (Bulletin of the Ancient Orient Museum 4)*, Tokyo.
- Wilhelm, Gernot. (2004), "Urartian", in *Cambridge Encyclopedia of the World Ancient Languages*, Cambridge University.



تصویر ۳: کتیبه اورارتویی رازلیق



تصویر ۴: دستبند مکشوفه از محوطه تول تالش با کتیبه اورارتویی



تصویر ۵: کلاهخود موزه رضا عباسی و کتیبه نویافته.

(منبع : صبوری، ۱۳۸۷: ۳۷۴)

سازگار